

یادداشت

استاندارد دوگانه واشینگتن؛ بمب ساعتی NPT

در این رقابت، امنیت جهانی قربانی می‌شود؛ زیرا هر قدرتی که بخواهد نفوذ خود را تثبیت کند، قواعد عدم اشاعه را دور می‌زند و سازوکارهای نظارت چندجانبه را تضعیف می‌کند. این همان نقطه‌ای است که نظم عدم اشاعه، نه به صورت تدریجی، بلکه به صورت ساختاری، در حال فروپاشی است. در موازات این تحولات، تضعف ساختاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بیش از هر دوره دیگری آشکار شده است. نهادهای که پاد ستون بی‌طرفی و استقلال باشد، امروز زیر سایه سیاست‌های کج‌انجه‌رایانه آمریکا قرار گرفته است. آژانس در برابر ایران سبخریزی است؛ اما در برابر غربستان که پروتکل الحاقی را اجرا نمی‌کند، سبخریزی حقوقی لازم برای بازسازی‌ها وجود ندارد.

این محدودیت ساختاری، آژانس را به نهادهای تبدیلی کرده که در عمل، توان نظارت مؤثر بر برنامه‌های هسته‌ای کشورهای تحت حمایت آمریکا را از دست داده است. این وضعیت، کشورها را به سمت خروج از آژانس سوق می‌دهد؛ زیرا وقتی نظارت چندجانبه به ابر فشار تبدیل شود و نظارت یک‌طرفه به امتیاز، حضور در آژانس نه امنیت می‌آورد و نه استقلال. این همان نقطه‌ای است که سربازکارهای اشاعه‌ساز در درون تهی می‌شوند و اعتماد کشورها به نهادهای بین‌المللی فرومی‌ریزد.

در همین چارچوب، تغییر موضع مارکو روبیو نیز نشانه‌ای مهم است. روبیو که در دوران سناتورری خود، یکی از مخالفان جدی ایجاد چرخه هسته‌ای در عربستان بود، امروز در مقام وزیر خارجه از همان توافق دفاع می‌کند که پیش‌تر آن را تهدیدی برای امنیت جهانی می‌دانست. این تغییر، نه یک تحول شخصی، بلکه بخشی از همان راهبرد کلان واشینگتن است. راهبردی که بر اساس نیازهای لحظه‌ای تغییر می‌کند، نه بر اساس اصول ثابت عدم اشاعه. روبیو در مصاحبه‌ای تأکید کرده است ترجیح می‌دهد غنی‌سازی سعودی‌ها با آمریکا انجام شود، نه با کشور دیگری. این جمله به‌روشنی نشان می‌دهد منطبق اصولی، نه جلوگیری از اشاعه، بلکه کنترل بازار انرژی هسته‌ای و نفوذ ژوبلی مانند چین و روسیه است؛ بنابراین که امنیت جهانی را قربانی رقابت ژئوپلیتیک می‌کند.

اگر این روند ادامه یابد، جهان وارد دوره‌ای خواهد شد که در آن هر بحران، سبب‌های سناریوهای آینده خواهد داشت. در جهانی که خطوط امنیتی شکننده‌اند و بازیگران غیردولتی حضور پررنگ دارند، ایجاد یک چرخه غنی‌سازی خارج از نظارت بین‌المللی، ریسکی مزمن است. اما، با قابلیت‌ها، حتی در سطح محدود، در دست گروه‌های ترویستی قرار بگیرد، جهان با بحرانی مواجه خواهد شد که هیچ سازوکار امنیتی قادر به مهار آن نخواهد بود. این سناریو نه اغراق است و نه هشدار رسانه‌ای؛ یک احتمال واقعی است.

در نهایت، این توافق پیامی روشن دارد و آن اینکه آمریکا می‌خواهد نظم هسته‌ای جهانی را بازنویسی کند؛ نظمی که در آن شفافیت جای خود را به نظارت یک طرفه می‌دهد و امنیت جمعی جای خود را به امنیت انتخابی این مسیر اگر ادامه یابد، جهان را وارد دوره‌ای خواهد کرد که در آن هر بحران، نه فقط سیاسی یا نظامی، بلکه هسته‌ای خواهد بود؛ بحرانی که پیش‌بینی و مهار آن دشوار است. بازگشت به اصول عدم اشاعه، تقویت نظارت چند جانبه و جایگزینی رقابت با گفت‌وگو، مسیری دشوار اما ضروری است. مسیری که می‌تواند جهان را از چرخه بی‌ثباتی هسته‌ای بیرون آورد.

چرا ارکستر اقتصاد ایران رکوئیم (مرثیہ) می نوازد؟